

دروازه طلایی

به مناسبت هفتادوپنجمین سال ساخت پل «گلدن گیت» در سانفرانسیسکو

جاذبه مرگبار «ایکاروس»

علیرضا امیرحاجبی

■ طول: بیش از دوهزار و ۷۰۰متر، عرض: بیش از ۲۷متر، ارتفاعهزارو ۲۸۰متر. در هر بیستوپهپار ساعت چیزی حدود ۱۲۰هزار خودرو از روی آن عبور می‌کند. شش مسیر رفت و شش مسیر برگشت به همراه مسیرهایی برای دوچرخه سواری.

این مشخصات عمومی پل گلدن گیت (دروازه طلایی) سان فرانسیسکو در ایالت کالیفرنیاست که بیست و هفتم می امسال ۷۵ساله شد. پلی که به همراه چهارپل عظیم دیگر به مانندوصله‌هایی بخش ساحلی سان‌ماتئو را به مارین کانتی، ریچموند و هیوارد متصل می‌کنند؛ پل‌های او کلند، ریچموند و گلدن گیت در شمال خلیج سانفرانسیسکوو پل‌های سان ماتئسو و دامبرتون در جنوب. در این میان گلدن گیت با اینکه کوتاه‌ترین پل به حساب می‌آید اما از شهرتی جهانی برخوردار شده و دلیل آن نوع ساخت، پیشتازی و رویدادهای تلخ و شیرینی است که روی آن رخ داده است.

گلدن گیت نماد تحول و عبور آمریکا از دوران کلاسیک به عصر مدرن است؛ اعلام حضور و کاربرد فلزی به نام «فولاد» که آمریکا را به مفهومی جدید مبدل کرد. فولاد در معماری مدرن نقشی فراطبیعی را برعهده گرفت. نقشی که توسط آن نظام سرمایه‌داری توانست خود را به شکل نمادین به عروج برساند. پس از فولاد دیگر هیچ مانعی بر سر راه انسان مدرن شده جهت پیشروی به بالا پابین، چپ و راست وجود نداشت. فولاد باعث نوعی لجام گسیختگی انسانی شد؛ آسمانخراش‌ها، پیشرفت پرسرعت راه‌آهن، صنایعی که به تولید ابزار آلات و خودروها می‌پرداختند و نیز تحول در ایده اتصال دو بخشی از خشکی توسط پل‌ها.

در دهه ۳۰ میلادی، دیگر وقت آن رسیده بود



که ترابری تحولی تازه را تجربه کند. همین نیاز به تحول باعث شد تا ایده‌های افرادی که به استقبال خطر می‌رفتند به‌تدریج واقعی شود. اما ایده ساخت پلی که ابراهه و خلیج سانفرانسیسکو را به اقیانوس آرام متصل می‌کند به سال ۱۹۱۶ بازمی‌گردد. در همان سال جوزف اشتراوس به مسوولان ایالتی قول داده بود تا با حداقل هزینه این پل را آغاز و به پایان برساند؛ مهندسی که چیز زیادی از ساخت پل‌های معلق نمی‌دانست و می‌خواست برای نخستین‌بار دست به ساخت نمونه‌ای بی‌نظیر از این گونه بزند. موقعیت مارین کانتی و رفت‌وآمدهای پرهزینه خودروها بر موافقت مسوولان تأثیر مهمی گذاشت. شرکت ترابری «فری» که از سال ۱۸۴۰ انحصار حمل و جابه‌جایی مردم و خودروها را برعهده داشت در سال‌های دهه ۲۰ و ۳۰ برای هر خودرو حدود صد دلار دریافت می‌کرد. مدت زمان عبور از آبراهه سان‌فرانسیسکو ۲۵دقیقه طول می‌کشید. زمان و هزینه‌ها بالا و غیرمنطقی ارزیابی شند و در نهایت در پنجم ژانویه سال ۱۹۳۳ پروژه گلدن گیت کلید خورد. پلی تماماً فولادی که طراحی پایמהایش برعهده اروننگ مارو یک معمار تازه‌کار قرار گرفت. عناصر مورد استفاده مارو بیشتر تمایلات وی در زمینه و سبک «آرت دکو» را نمایندند می‌کند. سبکی که درست مانند یک پل سعی داشت مفاهیم کلاسیک زیباشناختی و کاربردی را با تغییراتی منطقی به جهان صنعتی شده قرن نوزدهم و بیستم منتقل کند. تهرایی چراغ برق و پیاده‌روها نیز از همین سبک پیروی می‌کردند. اما رنگ نارنجی بدنه پل ایده منحصربه‌فرد و کاملاً مدرن بود که در جهت دید بهتر حتی از کیلومترها دور تر انتخاب شد. البته نیروی دریاپیی تابه‌حال چندین‌بار از مسوولان درخواست کرده تا بخش‌هایی از این پل تغییر رنگ یابد تا کشتی‌ها به راحتی آن را تشخیص دهند. اما این درخواست تابه‌حال عملی نشده است.

ارتفاع پل گلدن گیت خود دلیلی شد برای حوادثی تلخ چون خودکشی‌ها. طی این سال‌ها گلدن گیت با تلفاتی تکان‌دهنده تبدیل به یک رکورددار شده است:هزار و ۴۳۰ خودکشی موفق از سال افتتاح یعنی ۱۹۳۷ تا به امروز به گزارش واحد پلیس گلدن گیت ۹۸درصد خودکشی‌های این پل موفقیت‌آمیز بوده است. مقاصد از هر راهکاری جهت جلوگیری از این حوادث تلخ استقبال کرده‌اند از جمله زرده‌کشی‌های فراوان و گسترده. تعداد اقدام به خودکشیی از فراز این پل به حدی رسید که رسانه‌ها نیز بدان پرداختند تا شاید راه چاره‌ای پیدا شود. از جمله مجموعه مقالات روزنامه سانفرانسیسکو کرونیکل و نیز فیلم‌های مستندی که دو کارگردان به نامهای جنی اولسون و اریک استیل درباره خودکشی بر فراز پل ساخته‌اند. گلدن گیت نماد فراز و فرود انسان است. فرازی کوتاه‌مدت که به فردوی زود هنگام و ترازیک ختم می‌شود. آیا این نماد باز نمانگار آینده مدرن‌نبته خواهد بود؟ نمی‌دانیم.

گروه هنر: مصاحبه اختصاصی ماه گذشته شرق با مهندس هوشنگ سیحون و همچنین مطالب منتشره حول‌وحوش این مصاحبه همانطور که پیش‌بینی می‌شد واکنش‌های مختلفی را چه مثبت چه منفی در میان جامعه معماران ایران و خارج از ایران به همراه داشت. از جمله آنها پاسخ مهندس هوشنگ سیحون به مقاله‌ای از کامران عدل عکاس ایرانی بود که در آن شماره ارزیابی خود را از معماری مدرن در ایران ارائه کرده بود. شرق ضمن انتشار پاسخ مهندس سیحون از دریافت نظرها و تحلیل‌های معماران و منتقدان معماری استقبال می‌کند.

■ ■ ■

روزنامه «شرق» مورخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۱ مصاحبه دکتر علی فراستی با این‌جانب را درج کرد که دارای مطالب آموزنده بسیاری برای معماران، دانشجویان معماری و علاقه‌مندان به هنر معماری بود. در کنار آن، دو مقاله دیگر درج شده بود که مقاله‌ای با عنوان «سونامی معماران مدرن ایران» حاوی اظهارات خلاف واقع و منشوش بود که لازم است توضیحاتی برای آگاهی خوانندگان آن روزنامه به

عرض برسانم. تقاضا دارم براساس قانون مطبوعات این متن به‌طور کامل و بدون تغییر درج شود. اگر موضوع و مسأله‌ای درست تجزیه و تحلیل بشود هم برای بنده و هم برای خوانندگان آموزنده خواهد بود ولی اظهارات و ادعاهای نادرست، آن هم از طرف شخصی که تخصص یا تجربی در رشته معماری

نداشته و آگاهی‌های پرآکنده و متناقضی از تاریخ معماری

معاصر ایران دارد، موضوع دیگری است. آندره گدار، معمار و باستان‌شناس فرانسوی در زمان رضا شاه برای باستان‌شناسی به ایران دعوت شد و سپس اقدام به طراحی موزه ایران باستان کرد و خودش هم اولین رییس آن شد.

با تالسیس دانشگاه تهران از وی دعوت به عمل آمد که ریاست «هنرکده هنرهای زیبا» را بپذیرد که بعداً «هنرکده» به «دانشکده هنرهای زیبا» تغییر نام داد. اولین دوره تحصیلی این دانشکده یک سال قبل از سقوط رضا شاه، در مهرماه ۱۳۱۹ برپا شد که این جانب افتخار داشتم که جزو نخستین گروه دانشجویان پذیرفته شده به این دانشکده باشم. آقای آندره گدار ۴ فرانسوی را برای تدریس

به این دانشکده دعوت کرد که عبارت بودند از آقایان رولان دوپورل و ماکسیم سیرو برای تدریس در رشته معماری، مهندس موزر برای تدریس محاسبات فنی و بتون مسلح و خانم آشوب برای تدریس نقاشی. به همین دلیل زبان تدریس در این دانشکده زبان فرانسه بود.

در بخش معماری هر استادی یک کارگاه آموزشی داشت و دانشجویان حق انتخاب کارگاه و تعلیم گرفتن از استاد مورد



نظر خود را داشتند. از سال اول تا آخر تحصیل، بنده کارگاه ماکسیم سیرو را انتخاب کردم در حالی که مهندس فروغی هم کارگاه خاص خود را داشت. پس روشن می‌شود که آندره گدار برای تدریس به ایران دعوت نشد و دانشجویان را دور خود جمع نکرد بلکه پس از سال‌ها فعالیت باستان‌شناسانه، از بدو تالسیس دانشکده هنرهای زیبا به ریاست آن منصوب شد. در عین حال فکر نمی‌کنم ایشان در خیابان‌بندی شهر تهران با آقای بوذرجمهری همکاری کرده باشند. بنده در سال ۱۳۲۳ از این دانشکده فارغ‌التحصیل شده و دو سال پس از فارغ‌التحصیلی برای ادامه تحصیل عازم فرانسه شدم و در سال ۱۳۲۷ به میهن مراجعت کرده و به‌طور حرفه‌ای وارد فعالیت‌معماری‌شدم.همچنین بنا به دعوت دانشکده هنرهای زیبا، از سال ۱۳۲۸ به‌عنوان دانشیار به

معماری

پاسخ «هوشنگ سیحون» به یک مقاله

نسلی برجسته با شهرتی جهانی

عضویت هیات علمی این دانشکده درآمد و یک کارگاه به‌نام من نامگذاری شد که به‌طور مستقل به دانشجویان از اول تا آخر تحصیل آموزش معماری بدهم. با بازنگستگی مهندس فروغی در سال ۱۳۴۱ ریاست دانشکده هنرهای زیبا به من واگذار شد که تا سال ۱۳۴۷ سه دوره متوالی ریاست دانشکده را به عهده داشتم. شیوه تدریس من، آشنا کردن دانشجویان با معماری ایرانی از طریق سفر به مناطق مختلف کشور و بررسی و لمس آثار باستانی و نقشه‌برداری و عکسبرداری از آنها بود. آرشيو کاملی از عکس‌ها و نقشه‌های بناهای مطالعه شده در دانشکده موجود بود که نمی‌دانم به چه سرنوشتی دچار شده‌اند. تلفیق معیارهای جامعه‌شناسانه،اقلیمی، سنتی و هنری ایران با فن‌آوری جدید ساختمان‌سازی جزو اصول معماری من بوده و هست. در مورد بافت قدیمی تهران لازم به توضیح است که تخریب ۱۲ دروازه

هنرهای زیبا به ریاست آن منصوب شد. در عین حال فکر نمی‌کنم ایشان در خیابان‌بندی شهر تهران با آقای بوذرجمهری همکاری کرده باشند. بنده در سال ۱۳۲۳ از این دانشکده فارغ‌التحصیل شده و دو سال پس از فارغ‌التحصیلی برای ادامه تحصیل عازم فرانسه شدم و در سال ۱۳۲۷ به میهن مراجعت کرده و به‌طور حرفه‌ای وارد فعالیت‌معماری‌شدم.همچنین بنا به دعوت دانشکده هنرهای زیبا، از سال ۱۳۲۸ به‌عنوان دانشیار به

نظر خود را داشتند. از سال اول تا آخر تحصیل، بنده کارگاه ماکسیم سیرو را انتخاب کردم در حالی که مهندس فروغی هم کارگاه خاص خود را داشت.

درباره نمادی که فرو ریخت

مروراید غلطان

آمده که گواه دیگری بر شدت حملات علیه مردم بی‌پناه بحرین است. به نظر می‌رسد دلیل اصلی تخریب این نماد مهم شهر منماه، از بین بردن اثر جرم دولت‌های عربی متحد شده علیه مردم بحرین بود تا در صورت تشکیل کمیته‌های حقیقت‌یاب بین‌المللی هیچ‌گونه اثری از وحشیگری آنان باقی نماند. اللولو، عرصه و خاستگاه اصلی مردم بحرین برای تغییرات بوده است. ستون‌های شش گانه واقع در میانه این میدان، همچون مشتهایی گره کرده برای آزادی‌خواهی سر بر آسمان برآورده‌اند. این ستون‌های قوسی شکل در بالای خود یک گوی سفید شبیه مروارید را حمل می‌کردند و این شش ستون نمادی از شش کشور عربی حاشیه جنوبی خلیج‌فارس – امارات، بحرین، عربستان، عمان، قطر و کویت – محسوب می‌شدند. مروارید، نمادی از میراث مشترک این کشورها بوده که اقتصادشان پیش از منامه، از بین بردن اثر شلیک هلیکوپترهای آپاچی روی مروارید نماد میدان است. همان‌طور که در تصویر دیده می‌شود در مروارید بالای این تندیس، حفراهی به وجود

نیما توسلی

سیاست چیز زشتی است

برای اینکه عشق هرگز نمی‌تواند توسط آن نجات یابد

فرح‌علی عیسی از بحرین مروارید، صید اصلی کشور بحرین، پیش از توجه و وابستگی این کشور به نفت بود. از همین رو، اللولو – به معنای مروارید – نماد یکی از اصلی‌ترین میدان‌های شهر منماه بحرین بود. میدانی که به واسطه سازه نمادین خود معروف بود و اواخر سال ۱۳۸۹ دولت بحرین با توجیه بهبود عبور و مرور و سبک‌کردن بار ترافیکی میدان، آن را تخریب کرد؛ هر چند برخی تحلیل‌گران معتقدند دلیل اصلی تخریب میدان اللولو منامه، از بین بردن اثر شلیک هلیکوپترهای آپاچی روی مروارید نماد میدان است. همان‌طور که در تصویر دیده می‌شود در مروارید بالای این تندیس، حفراهی به وجود



تهران به دستور سرلشگر بوذرجمهری صورت گرفت که ای کاش این کار را نمی‌کرد و این آثار باستانی برای حفظ هویت معماری تهران نگهداری می‌شد. گدار نیز، که عاشق معماری ایران بود، نمی‌توانست موافقتی با این تصمیم داشته‌باشد. البته بنده در زمان تخریب دروازه‌ها یک دانش آموز بودم.

طراحی بانک سپه از کارهای من است و مهندس فروغی در آن دخالتی نداشت. ساختمان وزارت امور خارجه کار مهندس گابریل گورکیان بود که توسط مار کار گالستیان ساخته شد. طراحی میدان حسن‌آباد کار قلیچ باقلیان بود و ساختمان پست‌خانه هم کار مارکار گالستیان بود که براساس نقشه نیکلای مارف‌ک ساخته شد.

مهندسان آلمانی در طراحی و ساخت هیچکدام از بناهای داخل شهر تهران نقشی نداشتند. تنها فعالیت آنها در طراحی و ساختن ایستگاه‌های راه‌آهن تهران و شهرستان‌ها و پل‌های عبور قطار، همچون پل ورسک بود.

مهندس فروغی به‌عنوان مهندس اصلی بانک ملی ایران فعالیت‌های بسیار خوبی انجام داد ولی برخی کارهایش، همچون تخریب تکیه دولت (از بناهای با ارزش معماری قاجار) و یک ضلع میدان حسن‌آباد، مورد تایید من نبود و کماکان متقدم که ضلع تخریب شده میدان حسن‌آباد باید دقیقاً با همان طرح و نمای اولیه بازسازی شود. نسل مهندسانی که از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، چه در زمان ریاست آندره گدار و چه در زمان ریاست مهندس فروغی و چه در زمان ریاست بنده فارغ‌التحصیل شدند، با فراگیری فن‌آموزی مدرن و با عشق به اصول و قواعد معماری اصیل ایرانی و به‌خصوص معماری ساسانی آموزش دیده و بعداً جزو برجسته‌ترین آرشیتکت‌های ایران با شهرت جهانی شدند که نمونه بارز آن مهندس حسین امانت، طراح بنای یادبود میدان آزادی است که از ممتازترین دانشجویان من بود و بنده نیز یکی از اعضای هیات انتخاب‌کننده آن طرح بودم.

شایسته است کسانی که در مورد تاریخ قدیم و معاصر معماری ایران اظهارنظر می‌کنند اولاً از آگاهی مکفی فنی و هنری برای نقد آثار معماری برخوردار بوده و ثانیاً به دقت تاریخ معماری را بررسی کرده باشند تا اطلاعات غلط در اختیار نسل جوان آرشیتکت‌های ایرانی قرار نگیرد. مطالعه بخش‌های بعدی مصاحبه دکتر فراستی با این جانب، که به‌زودی در همین روزنامه منتشر خواهد شد را به علاقه‌مندان و دانشجویان معماری توصیه می‌کنم.

هوشنگ‌سیحون
۲۵ اردیبهشت۱۳۹۱

■ از روستاییان کمک می‌گرفت تا طرح‌های خود را با نیاز آنها انطباق دهد. هدف او از این کار آن بود که روح حاکم بر خانه‌های قدیمی روستایی را اعاده کند؛ ضمن آنکه معتقد نبود؛ با این کار به نظرات روستاییان فراموش شده احترام می‌گذارد. «حسن فتحی» معمار و هنرمند معروف در سال ۱۸۹۹ در شهر اسکندریه از پدری مصری و مادری ترک متولد شد. او در دانشگاه قاهره تحصیل کرد و مدتی بعد در دانشکده هنرهای زیبای این دانشگاه با سمت رییس مدرسه معماری به کار مشغول شد. فتحی معماری است که برای فقرای شهری و روستاییان خانه‌سازی کرد؛ به‌ویژه برای فقرای کشور در حال توسعه مصر. او بر آن بود تا فضاهای زنده و پویایی را در محیط اطراف انسان‌ها خلق کند. بر این اساس، اقتصاد و استاندارد زندگی نواحی روستایی را بهبود بخشید. هرچند حسن فتحی در ابتدا در تحقق ایده‌هایش چندان موفق نبود، اما گذشت زمان ثابت کرد که ایده‌های او به‌خصوص در محث معماری خانه‌های روستایی و طبقات فقیر-حایزاهمیت است. فتحی شدیداً مخالف به‌کارگیری فنون و مصالح متداول غربی نظیر بتن مسلح و آهن در ساختمان‌ها بود. او این عناصر را برای آب و هوای کشوری چون مصر مناسب نمی‌دانست. مخالفت او علیه خانه‌های قوطی‌کیریتی مدرن بود که در تابستان‌ها بسیار گرم و در زمستان‌ها بسیار سرد بودند. او از روش‌ها و مصالح مربوط به معماری کهن مصر دفاع کرد. فتحی روش‌های خانه‌سازی خود را در معماری بومی که خود-واضح آن بود، پیاده کرد. در کتاب معروفش «معماری برای فقر»؛ به خوبی دیدگاههای خود را برای معماری خانه‌های روستایی تشریح می‌کند. حسن فتحی، ایده‌های

معماری پایدار

درباره حسن فتحی، معمار مطرح مصری ۲۳ سال پس از او

معمار فقرا

پرویز براتی

■ از روستاییان کمک می‌گرفت تا طرح‌های خود را با نیاز آنها انطباق دهد. هدف او از این کار آن بود که روح حاکم بر خانه‌های قدیمی روستایی را اعاده کند؛ ضمن آنکه معتقد نبود؛ با این کار به نظرات روستاییان فراموش شده احترام می‌گذارد. «حسن فتحی» معمار و هنرمند معروف در سال ۱۸۹۹ در شهر اسکندریه از پدری مصری و مادری ترک متولد شد. او در دانشگاه قاهره تحصیل کرد و مدتی بعد در دانشکده هنرهای زیبای این دانشگاه با سمت رییس مدرسه معماری به کار مشغول شد. فتحی معماری است که برای فقرای شهری و روستاییان خانه‌سازی کرد؛ به‌ویژه برای فقرای کشور در حال توسعه مصر. او بر آن بود تا فضاهای زنده و پویایی را در محیط اطراف انسان‌ها خلق کند. بر این اساس، اقتصاد و استاندارد زندگی نواحی روستایی را بهبود بخشید. هرچند حسن فتحی در ابتدا در تحقق ایده‌هایش چندان موفق نبود، اما گذشت زمان ثابت کرد که ایده‌های او به‌خصوص در محث معماری خانه‌های روستایی و طبقات فقیر-حایزاهمیت است. فتحی شدیداً مخالف به‌کارگیری فنون و مصالح متداول غربی نظیر بتن مسلح و آهن در ساختمان‌ها بود. او این عناصر را برای آب و هوای کشوری چون مصر مناسب نمی‌دانست. مخالفت او علیه خانه‌های قوطی‌کیریتی مدرن بود که در تابستان‌ها بسیار گرم و در زمستان‌ها بسیار سرد بودند. او از روش‌ها و مصالح مربوط به معماری کهن مصر دفاع کرد. فتحی روش‌های خانه‌سازی خود را در معماری بومی که خود-واضح آن بود، پیاده کرد. در کتاب معروفش «معماری برای فقر»؛ به خوبی دیدگاههای خود را برای معماری خانه‌های روستایی تشریح می‌کند. حسن فتحی، ایده‌های

تهران به دستور سرلشگر بوذرجمهری صورت گرفت که ای کاش این کار را نمی‌کرد و این آثار باستانی برای حفظ هویت معماری تهران نگهداری می‌شد. گدار نیز، که عاشق معماری ایران بود، نمی‌توانست موافقتی با این تصمیم داشته‌باشد. البته بنده در زمان تخریب دروازه‌ها یک دانش آموز بودم.

طراحی بانک سپه از کارهای من است و مهندس فروغی در آن دخالتی نداشت. ساختمان وزارت امور خارجه کار مهندس گابریل گورکیان بود که توسط مار کار گالستیان ساخته شد. طراحی میدان حسن‌آباد کار قلیچ باقلیان بود و ساختمان پست‌خانه هم کار مارکار گالستیان بود که براساس نقشه نیکلای مارف‌ک ساخته شد.

مهندسان آلمانی در طراحی و ساخت هیچکدام از بناهای داخل شهر تهران نقشی نداشتند. تنها فعالیت آنها در طراحی و ساختن ایستگاه‌های راه‌آهن تهران و شهرستان‌ها و پل‌های عبور قطار، همچون پل ورسک بود.

مهندس فروغی به‌عنوان مهندس اصلی بانک ملی ایران فعالیت‌های بسیار خوبی انجام داد ولی برخی کارهایش، همچون تخریب تکیه دولت (از بناهای با ارزش معماری قاجار) و یک ضلع میدان حسن‌آباد، مورد تایید من نبود و کماکان متقدم که ضلع تخریب شده میدان حسن‌آباد باید دقیقاً با همان طرح و نمای اولیه بازسازی شود. نسل مهندسانی که از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، چه در زمان ریاست آندره گدار و چه در زمان ریاست مهندس فروغی و چه در زمان ریاست بنده فارغ‌التحصیل شدند، با فراگیری فن‌آموزی مدرن و با عشق به اصول و قواعد معماری اصیل ایرانی و به‌خصوص معماری ساسانی آموزش دیده و بعداً جزو برجسته‌ترین آرشیتکت‌های ایران با شهرت جهانی شدند که نمونه بارز آن مهندس حسین امانت، طراح بنای یادبود میدان آزادی است که از ممتازترین دانشجویان من بود و بنده نیز یکی از اعضای هیات انتخاب‌کننده آن طرح بودم.

شایسته است کسانی که در مورد تاریخ قدیم و معاصر معماری ایران اظهارنظر می‌کنند اولاً از آگاهی مکفی فنی و هنری برای نقد آثار معماری برخوردار بوده و ثانیاً به دقت تاریخ معماری را بررسی کرده باشند تا اطلاعات غلط در اختیار نسل جوان آرشیتکت‌های ایرانی قرار نگیرد. مطالعه بخش‌های بعدی مصاحبه دکتر فراستی با این جانب، که به‌زودی در همین روزنامه منتشر خواهد شد را به علاقه‌مندان و دانشجویان معماری توصیه می‌کنم.



خود را در روستایی به نام قرنا (شیخ عبدالقرنا) واقع در ساحل غربی رود نیل پیاده کرد. موقعیت مکانی جدیدی که فتحی برای پیاده کردن ایده‌های خود برگزید، چندان از محل روستای اصلی دور نبود. اما همان‌طور که او در کتابش گفته، خود را با چالشی بزرگ مواجه دید: «موقعیت جدید شامل ۵۰۰ آکر (هر آکر معادل ۴۰۵۰ متر) زمین متعلق به ۷۰۰۰ نفر از روستاییانی بود که حاضر به ترک خانه‌هایشان نبودند. این چالش البته بعدها به مانع جدیدی برای تحقق ایده‌های او بدل شد. او طراحی خود را براساس رعایت اقلیم و کاربرد مصالح طبیعی انجام داد. وی روی الگوهای آب و هوا مطالعات زیادی کرد.

تجربه خانم‌سازی در روستای «قرنه» تنها یک تجربه معمارة نبود. این امر برای فتحی، تجربه‌ای فراتر از توسعه و نوسازی یک روستا بود. البته این پروژه ناتمام ماند و آنچه در حال حاضر حاصل کار فتحی قلمداد می‌شود، یک مسجد، بازار و شماری خانه است که او آنها را طراحی کرده بود. در ساختارهای معماری او تلاش زیادی برای به کار بردن طاق‌ها و گنبد‌های سنتی دیده می‌شود. او تأکید زیادی بر رعایت اقلیم در خانه‌های روستایی داشت. پیشنهاد او، صرف هزینه هرچه پایین‌تر و معماری بود و گزین‌های وی ساختارهای سنتی و محلی بود. از سوی دیگر بخشی از اهداف این معمار، حل مسایل اجتماعی روستاییان و فقر، از طریق ساختن خانه‌هایی بود که متعلق به خود آنها باشد. معماری‌ای که فتحی مروجش بود، همانند ی زیادی با «معماری پایدار» دارد. رشد بی‌رویه جمعیت کرزمین باعث بروز مسائلی همچون تخریب جنگل‌ها، انقراض گونه‌های گیاهی، مصرف بی‌رویه انرژی و گرم شدن کرزمین شده است. در دو قرن اخیر اقداماتی برای حفظ محیط‌زبست و نجات کره‌خاکی صورت گرفت. اینجابود که «توسعه پایدار» مفهوم خود را پیدا کرد. از آنجا که صنعت دوم جهان بعد از کشاورزی، ساختمان‌سازی است؛ مفهوم توسعه پایدار در قالب معماری و شهرسازی معنا می‌یابد. در حقیقت این ساختمان‌ها هستند که آسیب‌های اصلی را به کرزمین می‌زنند. دود ایجاد شده توسط کارخانه‌های مصالح‌سازی در کلاتشهرها، در مقایسه با آلپندگی اوتومبیل‌ها، درصدد بیشتری از آلودگی هوا را به خود اختصاص می‌دهد. ایده‌ها و اقدامات مطرح شده در این عرصه با گسترش عمودی شهرها، افزایش طول عمر ساختمان‌ها با استفاده از فناوری جدید و استفاده از مصالحی که انرژی کمتری را در هنگام سوخت مصرف می‌کنند، وارد مرحله تازه‌ای شد. پروژه‌های معماریی چون حسن فتحی، نادر خلیلی (معمار فقید ایرانی)، نورمن فاستر، آن کالپیکلی و کنت پینگ در این دسته قرار می‌گیرد. هرچند ۲۳ سال از درگذشت حسن فتحی می‌گذرد، اما ایده‌های معمارانه او از مرزهای مصر گذشته و در کشورهای چون هند و مکزیک هم به اجرا درآمده است.

«فاستر» بلندترین آسمانخراش اروپا را می‌سازد

آپارتمان لوکس، ۳۵هزار متر مربع برای دفاتر و ۵۰هزار متر مربع برای مراکز خرید و رستوران‌ها گسترده خواهد شد. نورمن فاستر، یکی از معروف‌ترین معماران سبک اکوتک است. رویکرد به زیست و اکولوژی، یکی از گرایش‌های عمده معماران اکوتک (EcoTech) است. این معماران تلاایه‌دار استفاده از عوامل اقلیمی و محیط‌زبست در ساختمان هستند. امروزه استفاده از انرژی و صرفه‌جویی یکی از دغدغه‌های مسایل جهانی است و برای همین منظور، تعیین و کنترل دقیق مصرف انرژی در ساختمان، امری حیاتی به نظر می‌رسد. این معماری در اصل، مفهوم معماری هماهنگ با طبیعت است. از اصولی که در اکثریت کارهای ارایه شده در اکوتک به نظر می‌رسد، می‌توان موارد زیر را بیان کرد: تهویه طبیعی با امکان جریان هوا از سقف، تهویه مطبوع از طریق پالایش شیشه و مدیمن هوا از زیر کف، کنترل نور و نظایر اینها. استفاده کردن از منابع طبیعی زیرزمینی، استفاده کردن از انرژی منابع طبیعی همچون گرم، باد، نور خورشید، باد، انرژی گرمایی و آب باران.

شرق: پروژه ساخت برج‌های دوقلوی پاریس که قرار است پس از برج شارد لندن رکورد جدیدی را برای بلندترین آسمانخراش اروپا به ثبت برساند، تصویب شد. این برج‌های دوقلوی جدید با نام «ریمتاز پلازا» که قرار است به ارتفاع ۳۲۰ متر در پاریس ساخته شود، از آپارتمان‌های لوکس، دفاتر، هتل و تعدادی مراکز خرید تشکیل خواهد شد. طراحی این پروژه را نورمن فاستر، از شرکت «فاستر و شرکا» انجام داده است. با ساخت این برج‌ها رکورد بلندترین برج مسکونی- تجاری اروپا که در حال حاضر در دست‌ان برج شارد لندن به ارتفاع ۳۱۰ متر است در اختیار برج‌های دوقلوی ارمیتاز پلازا قرار خواهد گرفت.

شرکت «گروه ارمیتاز» ساخت این برج‌ها را از پایان امسال یا ابتدای سال آینده آغاز خواهد کرد. این پروژه در سال ۲۰۱۷ به بهره‌برداری خواهد رسید. براساس گزارش وال‌استریتی ژورنال، هزینه این پروژه در مجموع ۲میلیارد یورو خواهد بود و در فضایی به مساحت ۲۸۰هزار متر مربع برای یک هتل ۵ ستاره و ۵۴۳